

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۹ مارچ ۲۰۲۴



یونس نگاه

با مکتب طالبزده چه کنیم؟

نظام تعلیمی ما کندوکپر است. پینه‌پیوند کهنه‌ها و نوها، ترکیب عجیبی از آن ساخته است که تعلیم را برای افراد کوشا پر از دردسر و شکنجه می‌سازد. برای گرفتن نمره باید ذهن را از خروارها معلومات بی‌ربط به زندگی امروز و آشکارا دروغ پر کنند.

استخوان‌بندی نصاب آموزشی افغانستان همان است که در دهه‌های چهل و پنجاه قرن گذشته هجری شمسی شکل گرفته بود. باقی هرچه بر آن افزوده شده سلیقه‌ئی و سیاسی است. برخی افزوده‌ها و اصلاحات غیرسلیقه‌ئی و غیرسیاسی نیز داریم، اما این‌ها سطحی، بریده بریده و پینه‌ئی اند.

پس بی‌طالب و باطالب، کودکان و نوجوانان ما از نصاب عصری محرومند. آنچه در دورهٔ جمهوریت انجام شد، از نظر کمیت قابل توجه و ارزشمند بود ولی از نظر کیفیت تحول بنیادی شکل نگرفت.

پس با این وضعیت چه کنیم؟ اکنون که طالبان می‌خواهند استخوان‌بندی اصلی نصاب را بیشتر بتراشند و جل‌ها و پینه‌های سلیقه‌ئی و سیاسی بیشتر را بر آن بار کنند، مأموریت خانواده‌ها چیست؟ آیا فرزندان خود را به شرکت در این تعلیم تشویق کنند یا خیر؟

تجربهٔ شخصی من و خیلی از هم‌سوسالانم این است که تعلیم ناقص بهتر از بی‌تعلیمی است. رفتن به مکتب کم‌مکاناتی که در آن تعدادی ملای کم‌سواد و معلم گرسنه و گرفتار درس می‌دهند، بهتر از چوپانی و خشت‌زنی است.

در نظام آموزشی ما، استخوان‌بندی علمی، هرچند زخمی و آسیب‌دیده، وجود دارد. مجاهدان نتوانستند آن استخوان‌ها را کامل بشکنند، طالبان نیز قادر به تغییر بنیادی نصاب تعلیمی نخواهند بود. آنان ظرفیت ساختن نصاب بدیل را ندارند و هنری جز رنگ‌زدن، کم‌کردن و افزودن ندارند. آنان نمی‌توانند ریاضی، فزیک، کیمیا و ادبیات طالبانی تهیه کنند. تنها می‌توانند این مضامین را رنگ و نام و پسوند امارتی بدهند. با زور و تحمیل می‌توانند زندگی‌نامهٔ ملا عمر، "رشادت"

انتحاری‌ها، و تأثیر بشک‌های زرد در "نجات" افغانستان را به شاگردان تدریس کنند، ولی راه و مسیر تعلیم را تغییر داده نمی‌توانند.

ما در نظام مشابه طالبانی مکتب خواندیم. با شعارهای جهادی و تبلیغات جنگی سواد آموختیم. ولی سواد، برای خیلی از ما نجات‌بخش شد. در مکاتب استادان لنگی‌دار، ملا و ناملای هوشیار داشتیم که ضرورت زمان را درک می‌کردند و ما را متوجه گپ‌های اصلی و نکات کارآمد می‌کردند. انگیزه می‌دادند، راهنمایی می‌کردند و الگو می‌شدند. سایه تبلیغات‌چی‌ها موقت بود و خورشید سواد به‌ذهن ما، خلاف آنچه مجریان نصاب در برنامه داشتند، روشنی‌های بسیار می‌تابید.

حالا وضعیت به مراتب روشن‌تر از آن زمان است. منابع بسیار در اختیار خانواده‌ها و کودکان است. تعداد معلمان باسواد و آگاه ده‌ها بار بیشتر از آن زمان شده است. در صنف‌های طالبانی، سخنان غیرطالبانی حاکم خواهد بود و شما کودکان و نوجوانان عزیز ما با همه محرومیت، فرصت‌های بزرگ پیش‌رو خواهید داشت. شما بسیار باسوادتر و ماهرتر از ما خواهید شد. نسل آینده، حتی اگر زیر نظام امارتی رشد کنند، بیدارتر از نسل ما خواهند بود. تعلیم را جدی بگیرید. حتی اگر لنگی و ریش و ظواهر طالبانی به علاوه سرودها و مضامین تبلیغی آن گروه در مکاتب جبری شود، میدان تعلیم را رها نکنید. عاقبت شما سیلی خواهید شد که لنگی و ریش و پینه‌های تعلیمی طالبان چون پر کاه در حرکت پیش‌رونده تان گم خواهند شد.

پینه‌های سیاسی بر نصاب‌ها خیلی بیرقی و آشکارند. شاگردان به تدریج آن‌ها را از اصل دانش تفکیک می‌کنند. نکته دیگر این که تعلیمات طالبانی پروژه است و با کاهش کمک‌های خارجی به این پروژه و کاهش منافع اقتصادی و سیاسی آن برای مجریان، از مد خواهد افتاد.

درس بخوانید، مکتب را رها نکنید. مکتب‌ها مالکیت و حق شماسست. طالبان غاصبان موقت مراکز تعلیمی و علمی وطن‌اند. رئیس‌جمهوران، وزیران، استادان، دانشمندان، انجیران، داکتران، نویسندگان، محققان، کارگران و ماهران آینده شما خواهید بود. برای آن که در آینده بتوانید وطن خود را بهتر از امروز مدیریت کنید، زحمت بکشید.